



پنجشنبه ۲۶ شهريور ۱۴۰۵ شماره ۹۱۲۵

irannewsapper irannewsapper

رئيس سازمان بسيج مستضعفين:

نبايد در جامعه هنري دوگانه‌سازي کرد

کشور به همه هنرمندان خود نياز دارد

بسيج

نخستين جلسه شوراي سياست‌گذاري رويداد بين‌المللي «وعده صادق در آيينه هنر» به دبيری محمد نجاری و با حضور چهره‌های هنری و مسئولان فرهنگي، شامگاه سه‌شنبه در هتل نورحيات برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمين حسين طائب رئيس سازمان بسيج مستضعفين سپاه پاسداران در سخنانی در اين مراسم با بيان اينکه وعده صادق بايد در چارچوب جنگ روايت‌ها مورد توجه قرار گيرد، اظهار کرد: «امروز بخش بزرگی از رسانه‌های جهانی و زیرساخت‌های ارتباطی در اختيار جريان‌هایی قرار دارد که روايت مطلوب خود را به افکار عمومي عرضه می‌کنند. اينترنت از یک سو بستری برای ارتباطات و تبادل اطلاعات است، اما از سوی ديگر، مديريت و کنترل اين فضا می‌تواند بر اينکه چه تصويری به مردم جهان برسد و چه تصويری ديده نشود، اثر بگذارد. طائب افزود: «در بسياری از مواقع از آزادی بيان سخن گفته می‌شود، اما وقتی محتوایی برخلاف منافع قدرت‌های بزرگ منتشر می‌شود، محدوديت‌ها آغاز می‌شود.»

طائب در ادامه با اشاره به تصور دشمن از جامعه ايران گفت: «طرف مقابل تصور می‌کرد تاب‌آوری ملت ايران کاهش يافته و جامعه در برابر فشارهای اقتصادی، سياسی و نظامی دچار فروپاشی خواهد شد. آنان تصور می‌کردند در صورت آغاز حمله، مردم از يک‌ديگر فاصله می‌گيرند و اختلافات اجتماعي و سياسي افزايش پيدا می‌کند، اما اتفاق ديگری رخ داد. ملت ايران در شرايط جنگي منسجم‌تر شد و بسياری از اختلافات کنار رفت و مردم با محوريت دفاع از کشور در کنار يک‌ديگر قرار گرفتند.» وی بيان کرد: «اين انسجام ملی يکی از مهم‌ترين واقعيت‌هایی است که بايد در روايت وعده صادق مورد توجه قرار گيرد. دشمن تلاش می‌کند قدرت خود را از طريق نمايش تجهيزات و امکانات نظامی نشان دهد، اما در مقابل، مقاومت ملت ايران نشان داد اراده عمومي و انسجام اجتماعي نيز می‌تواند در معادلات نظامی و سياسی اثرگذار باشد. اين همان واقعيتی است که هنرمند بايد آن را ببيند و به تصوير بکشد.»

وی در ادامه با تاکيد بر اينکه بايد روايت را به خارج از مرزها برود، تاکيد کرد: «امروز هنرمند بايد وارد مرحله تهاجم ادراکي شود. منظور اين نيست که هنرمند تنها به دفاع از خود بپردازد، بلکه بايد روايت فعال و اثرگذار توليد کند. هنرمند بايد



واقعيت را مطالعه کند، تحقيق انجام دهد، سوژه پيدا کند، فيلمنامه بنويسد و آن را به اثر حرفه‌ای تبديل کند. اگر اثر هنری بتواند مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد، در حقيقت بخشی از جنگ روايت‌ها را مديريت کرده است.»

طائب با اشاره به مأموريت سازمان بسيج هنرمندان گفت: «در اين حوزه سه موضوع اساسی وجود دارد: تربيت هنرمند، توليد اثر هنری و جهت‌گيری صحيح در عرصه هنر. اگر سازمان بسيج هنرمندان تشکيل شده است، بايد در هر سه زمينه فعال باشد. اول بايد هنرمندانی تربيت شوند که با ارزش‌های جامعه آشنا باشند و بتوانند مسائل روز را به‌درستي تحليل کنند. دوم بايد امکان توليد آثار حرفه‌ای برای اين هنرمندان فراهم شود و سوم بايد ظرفيت هنر در مسير روايت واقعيت‌های جامعه و کشور قرار گيرد.» وی افزود: «هنرمند تراز انقلاب اسلامي هنرمندی نيست که صرفاً شعار بدهد. نئين هنرمندی بايد تحقيق کند، مسأله را پيشاند، واقعيت را ببيند و سپس اثر توليد کند. اگر هنرمند از مرحله تحقيق عبور کند، می‌تواند يک موضوع واقعی را به فيلمنامه تبديل کند و فيلمنامه را به يک اثر سينمایی يا تلوزيوني برساند. کارگردان، تهيه‌کننده، بازيگر، نورپرداز، ديگر عوامل نيز بايد بدانند که اثر آنان بخشی از يک ميدان بزرگ فرهنگي و ادراکي است.»

وی با بيان اينکه نبايد در جامعه هنری دوگانه‌سازي کرد، اظهار کرد: «امروز کشور به همه هنرمندان خود نياز دارد. شرايط جنگي و فشارهای خارجي نبايد موجب شود جامعه هنری به گروه‌های مختلف تقسيم شود. هر هنرمند ايرانی که دغدغه ايران و مردم را دارد، می‌تواند در اين ميدان نقش داشته باشد. همان‌گونه که در شرايط دفاع نظامی، مردم با وجود تفاوت‌های مختلف در کنار يک‌ديگر قرار می‌گيرند، در عرصه هنر نيز بايد ظرفيت‌های مختلف را برای دفاع از منافع ملی به کار گرفت.»

۳۱ ميليون جان فدا، ۳۱ ميليون نقش برای خدمت

سرمایه‌ای که می‌تواند موتور پیشرفت ايران شود

گزارش

جان‌فدا حالا ديگر فقط يک شعار

نيست؛ تبديل به نماد و مفهومی شده که در چند ماه گذشته، معنای آن از مرزهای ميدان نظامی عبور کرده است. در آستانه دويستمين شب ايستادگی و مقاومت ملت، جانفدا را می‌توان روايت تازه‌ای از مسئوليت اجتماعي ايرانيان دانست.

مفهومی که در روزهای جنگ با اعلام آمادگی برای دفاع از خاک کشور شکل گرفت اما حالا می‌تواند در ميدان‌های ديگری مثل علم، فناوری، اقتصاد، انرژی، امداد و حتی حل مسائل روزمره کشور معنا پيدا کند. به گزارش ايرنا، شايد به همين دليل است که محمدرضا عارف معاون اول رئيس‌جمهور در سخنان اخير خود از ضرورت داشتن برنامه‌ای برای پيشرفت علمی کشور با عنوان جانفدای علمی سخن گفته است تعبيری که نشان می‌دهد جنگ آینده فقط در آسمان و زمين رخ نمی‌دهد و بخشی از ميدان اصلی آن، آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز فناوری و عرصه توليد دانش است.

جان‌فدا از کجا آمد؟

جان‌فدا در اصل واژه تازه‌ای نيست؛ ريشه اين ترکيب را بايد در فرهنگ قديمی جانفشانی، فدا کردن جان و ايشار و از خودگذشتگی جست‌وجو کرد؛ مفهومی که سال‌ها در ادبيات فارسی برای بيان بالاترين درجه وفاداری به يک انسان، آرمان يا وطن به کار رفته است. در شعر فارسی هم فدا کردن جان برای وطن سابقه‌دار و حتی در شعر وطن «نظام وفا»، اين مفهوم به

در پی بازداشت یک متهم تراستی انجام شد

وصول ۹/۵ ميليون دلار به نفع بیت‌المال

دادستان عمومي و انقلاب تهران از وصول ۹/۵ ميليون دلار متعلق به يکی از بانک‌های دولتی خبر داد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائيه، علی صالحی، دادستان تهران اظهار کرد: «در خصوص شکايت يکی از بانک‌های دولتی که مدعی بود شخصی با احداث يک شرکت تحت عنوان تراستی در يکی از کشورهای حاشيه خليج فارس

قصد برودن مبلغی در حدود ۹/۵ ميليون دلار از طريق تتر را داشت، با ورود بموقع دادستانی تهران و دادرسی ویژه رسيدگی به جرايم رايانه‌ای، متهم بازداشت و اموال به بیت‌المال مسترد شد.» وی افزود: «پس از صدور دستورات لازم و اخذ گزارش ضابط و جمع‌آوری ادله و مستندات، متهم جلب و با قرار بازداشت موقت جهت

جانشين ستاد کل نيروهای مسلح:

دولت در کنار جنگ و مردم بوده است

پنجاه و دومين پيپاد MQ9آمریکایی شکار شد

دفاعی

جانشين ستاد کل نيروهای مسلح با تاکيد بر اينکه به ناوهای جنگی آمريکا آسیب جدی وارد کردیم، گفت: «نيروهای مسلح جمهوری اسلامی ايران با ناکام گذاشتن دشمن در دستيابی به اهداف از پيش تعيين شده، پيروز قطعی ميدان جنگ هستند.»

به گزارش ايرنا، امير سرتيپ «کيومرث حيدری» در جلسه شوراي ستادی بنياد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، اظهار کرد: «امروز نيروهای مسلح ما بدون شک پيروز صحنه جنگ هستند. با تعريفی که از پيروزی دارم، اگر مدافع بتواند مانع شود که مهاجم در زمان و مکان تعيين شده به اهداف از پيش تعيين شده خودش برسد، مدافع پيروز است و با اين تعريف علمی، ما امروز پيروز ميدان جنگ هستيم.»

وی افزود: «امروز در مقابل هر حرکت وقيحانه دشمن، انبوهی از موشک‌ها را در منطقه فرود می‌آوريم و دشمن را شگفت‌زده کرده‌ايم. واقعاً اقتدار نيروهای مسلح ما مثال‌زدنی است.» جانشين ستاد کل نيروهای مسلح، همچنين

دولت خدمتگزار را يکی از ستون‌های پيروزی کشور در کنار جنگ با منکر شوييم. دولت پشتيبانی کرده و همچنان پشتيبانی می‌کند. اگر با همين فرمان پيش برويم، ان‌شاءالله پيروزی نهايی در دسترس ما خواهد بود.» سرتيپ حيدری با اشاره به توانمندی نيروهای مسلح جمهوری اسلامی ايران در برابر آمريکا، گفت: «آمریکایی‌ها در اين منطقه دوسرنوشت محتوم دارند. اگر جنگ را ادامه دهند، قطعاً انبوهی از نيروهای آنها، همان‌طور که تا امروز به درگ واصل شده‌اند، بر عرشه همان ناوها به کشورشان بازخواهند گشت و انبوه ديگری از آنها نيز، ان‌شاءالله، در قعر آب‌های منطقه فروخواهند رفت.» جانشين ستاد کل نيروهای مسلح تصريح کرد: «فله توانمندی آمريکايی‌ها نيروی دريایی آنها و ناوهای جنگی آنهاست. در طول تاريخ، بعد از جنگ جهانی دوم تا امروز، هيچ قدرتی نتوانسته به هيچ ناو و قدرت دريایی آمريکا تعرض کند. اما به فضل خدا و به ياری آقا امام زمان (عج)، چند شب پيش شاهد بوديم که موشک‌های مختلف تقسيم شدند و ناوچه‌های آنها را نشانه گرفت و مورد تهاجم قرار داد و آسیب‌های جدی به آنها وارد کرد.» سرتيپ حيدری همچنين گفت: «اين موضوع موجب دو واکنش از سوی دشمن شد؛ اول اقداماتی در منطقه خليج فارس انجام داد و دوم، مذبح‌خانه و بزداينه تلاش کرد که حداقل فاصله خود را با ما



به ۵۰۰ کيلومتر برساند. ان‌شاءالله با اين حرکات خوبی که برنامه‌ريزی شده، فاصله دشمن آن قدر با ما زياد خواهد شد که بتوانيم پيروزی نهايی را به ملت بزرگو ارمان دهيد کنیم.»

تداوم شکار پيپادهای آمريکایی

روز گذشته روابط عمومي سپاه پاسداران از رهگيری و انهدام پنجاه‌ودومين پيپاد MQ-9 ارتش آمريکا در آسمان قشم خبر داد.

روز سه‌شنبه نيز سپاه اعلام کرد: «چهارمين MQ-1 روز چند روز گذشته به وسيله آتش سامانه نوين پدافند پيشرفته فواضی سپاه و تحت کنترل شبکه پیکارچه پدافند هوايی کشور در آسمان شرق تنگه هرمز رهگيری و منهدم شد.»

اين چهارمين پيپاد آمريکايی از اين نوع بود که در چند روز گذشته رهگيری و منهدم شد.

MQ-1 که مجهز به دوربين و انواع حسگرها بوده و قابليت حمل موشک از جمله هلفاير را داراست، بارها در عمليات‌های شناسایی و رزمی آمريکا به کار گرفته شده است. از زمان آغاز جنگ تجاوزکارانه آمريکا و رژيم صهيونيستی عليه ايران، ده‌ها فروند از MQ-1 توسط سامانه‌های پدافندی جمهوری اسلامی ايران رهگيری شده‌اند. در جريان جنگ ۴۰ روزه و در کمبود ناشی از انهدام ده‌ها فروند از نوع پيپادهای پيشرفته‌تر MQ-9 توسط ايران، ارتش آمريکا به استفاده بيشتر از MQ-1 روی آورده است.

MQ-9 نيز اولين پيپاد ضربتی ارتش ايالات متحده است که برای جاسوسی طولانی مدت در ارتفاع بالا طراحی شده است. البته معضل کمبود تجهيزات و تسليحات نظامی ايالات متحده در جنگ عليه ايران تنها محدود به پيپادها نيست.

گزارش نهاد نظارتی دولت آمريکا که روز دوشنبه منتشر شد، رسماً تأييد می‌کند که ارتش اين کشور

پس از ماه‌ها جنگ مستقيم با ايران، با کمبودهای

استراتژيک در موجودی انبارها و گلگاه‌ها در زنجيره

تأمین سلاح‌های پيشرفته مواجه است.



جان‌فدای انرژی؛ جان‌فدای اقتصاد

اين تغيير فقط در حوزه علم و فناوری هم متوقف نمی‌شود. همين روزها، سردار حسن‌زاده، فرمانده سپاه تهران بزرگ، از استفاده از ظرفيت جان‌فدا برای مشارکت مردم در حل مسائل کشور و به‌طور مشخص کمک به حل ناترازی انرژی سخن گفت. اين حرف می‌تواند مهم دارد که اگر مردم برای دفاع از کشور ظرفيت دارند، می‌توان همين ظرفيت را برای حل مسائل کشور نيز سازمان داد.

ناترازی انرژی، صرفه‌جویی، اصلاح الگوی مصرف، کمک به توليد، امدادرسانی، حفظ زیرساخت‌ها و مقابله با بحران‌ها، همه ميدان‌هایی هستند که بدون مشارکت مردم حل نمی‌شوند. در چنين شرايطی، جان‌فدا ديگر فقط کسی نيست که در لحظه خطر می‌گويد «من آماده‌ام جانم را بدهم» بلکه می‌تواند کسی باشد که می‌گويد «من آماده‌ام سهم خودم را انجام بدهم» و اين سهم برای هرکس متفاوت است. يکی با تخصص، ديگری با سرمايه‌اش، يکی با دانشش، ديگری با وقتش و فردی ديگر با کار روزانه‌اش. اين شايد مهم‌ترين تحول مفهوم جان‌فدا

تکميل تحقيقات تحويل بازداشتگاه قانونی شد.» صالحی افزود: «خوشبختانه با تدابير انجام شده و اقدامات فوری دادستری تهران، اموال بانک که متعلق به بیت‌المال است شناسایی و توقيف و طی جلسه‌ای که با حضور مسئولان بانک و ضابطين برگزار شد، تصميمات لازم جهت استرداد آن اخذ و تاکنون منجر به استرداد

حدود ۸ ميليون دلار به بیت‌المال شده است.» وی افزود: «اموال شناسایی شده حدود ۸ ميليون دلار به صورت نقد شامل رمزارز، دلار، طلا و ساير ارزهای خارجي بود که به بیت‌المال مسترد شد و مابقی شامل سه باب منزل خريداري شده توسط متهم به ارزش ۵/۱ ميليون دلار است که مراحل فروش و استرداد وجه آن در حال انجام است.»

سیاسی

یادداشت



علیرضا شرفی بزدی

جامعه شناس

به بهانه تجربه دولت در دو جنگ تحميلي ۱۲ و ۴۰ روزه

تأمین پایدار کالاهای ضروری، فراتر از یک اقدام اقتصادی

در دوره‌های بحران – از جنگ و بلایای طبيعي تا اختلال‌های اقتصادی و زیرساختی – آنچه بيش از هر چیز بر تجربه روزمره شهروندان اثر می‌گذارد، صرفاً خود حادثه نيست؛ بلکه ميزان اطمینان آنان از دسترسی به نيازهای پايه زندگی است. نان و مواد غذایی، آب سالم، برق، سوخت، دارو، خدمات درمانی و امکان دريافت اطلاعات موثق، اجزای اصلی احساس امنیت در زندگی جمعی‌اند. هرچه اين نيازها با ثبات بيشتری تأمین شوند، جامعه ظرفيت بالاتری برای حفظ آرامش، همگاری و تصميم‌گيری عقلانی خواهد داشت. از منظر روان‌شناسی، نيازهای فيزيولوژيک و امنیتی در پايه هرم نيازهای انسان قرار دارند. هنگامی که فرد نسبت به آب، غذا، سرپناه، درمان يا امکان رفت‌وآمد خود نگران باشد، ذهن او به‌طور طبيعي در وضعیت «هشدار» قرار می‌گيرد. در اين وضعیت، توان تمرکز، برنامه‌ريزی، مدارا و ارزیابی منطقی اطلاعات کاهش می‌يابد. بنابراین، تأمین پایدار کالاهای و خدمات ضروری فقط يک اقدام اقتصادی يا اجرائی نيست؛ بلکه مداخله‌ای مؤثر برای حفظ سلامت روان عمومي محسوب می‌شود.

امنيت روانی؛ محصول پيش‌بینی پذیری زندگی روزمره

در شرايط بحران، انسان بيش از هر چیز از «نامعلوم بودن» آسیب می‌بيند. ممکن است جامعه با دشواری‌هایی روبه‌رو باشد، اما اگر شهروندان بدانند که آب، برق، غذا، سوخت و خدمات درمانی در دسترس خواهد بود يا برنامه روشنی برای مديريت محدوديت‌ها وجود دارد، اضطراب جمعی به ميزان قابل توجهی کاهش می‌يابد. به بيان ديگر، آرامش اجتماعي تنها به معنای نبود خطر نيست؛ بلکه به معنای وجود حس پيش‌بینی پذیری و کنترل نسبی بر زندگی است.

برای مثال، اعلام دقيق و صادقانه زمان‌بندی احتمالی قطعی برق، چگونگی توزیع سوخت، وضعیت ذخایر کالاهای اساسی يا مسيرهای دسترسی به خدمات درمانی، حتی اگر خبرها کاملاً مطلوب نباشند، می‌تواند از شايعه‌سازی و هجوم اضطرابی مردم برای خرده‌های بيش از نياز جلوگیری کند. مردم در شرايط ابهام، برای حفظ خود دست به رفتارهای احتیاطی می‌زنند: خريد انبوه، ذخيره‌سازی افراطی و مراجعه هم‌زمان به مراکز مختلف نمونه‌هایی از اين رفتارهاست. اين واکنش‌ها غالباً نشانه‌ای خودخواهی نيستند، بلکه پاسخی روانی به ناامنی و ناتوانی در پيش‌بینی آینده‌اند.

تأمین نيازهای پايه و کاهش اضطراب جمعی

اضطراب در سطح فردی معمولاً با نگرانی، بی‌قراری، اختلال خواب و تمرکز همراه است؛ اما هنگامی که اين اضطراب در مقیاس وسيع گسترش می‌يابد، به اضطراب جمعی تبديل می‌شود. در چنين وضعیتی، شایعات سريع‌تر منتشر می‌شوند، اعتماد عمومي آسیب می‌بيند و آمادگی جامعه برای پذيرش اخبار نادرست افزايش می‌يابد.

تداوم زنجيره تأمین کالاهای اساسی و خدمات زیربنایی، از چند مسير به کاهش اضطراب عمومي کمک می‌کند:

کاهش احساس تهديد فوری: دسترسی به مواد غذایی، دارو، آب و انرژی، پیام روشنی به شهروندان می‌دهد که زندگی روزمره، با وجود بحران، همچنان قابل اداره است.

تقويت احساس کنترل: وقتی مردم می‌توانند نيازهای اوليه خود را به شکل منظم تأمین کنند، احساس می‌کنند هنوز در زندگی خود قدرت تصميم‌گيری دارند.

کاهش زمينه شايعه و اطلاعات نادرست: خلأ اطلاعاتی و کمبود واقعی يا ادراک‌شده کالای، بستر مناسبی برای شایعات ايجاد می‌کند. اطلاع‌رسانی بهنگام و شفاف، اين خلأ را کاهش می‌دهد.

پيشگيری از تنش‌های اجتماعی: صف‌های طولانی، کمبودهای غيرمنتظره و توزيع ناعادلانه منابع می‌تواند به تعارض، خشم و بدبینی ميان شهروندان دامن بزند. مديريت عادلانه و قابل مشاهده منابع، از اين تنش‌ها می‌کاهد.

از «اعتماد اجتماعی» تا «تاب‌آوری جمعی»

جامعه‌شناسان، اعتماد اجتماعی را يکی از مهم‌ترين سرمايه‌های جامعه می‌دانند. اعتماد اجتماعی يعنی مردم تا حدی مطمئن باشند که ديگران، نهادهای عمومي و سازوکارهای اجتماعی، در موقعيت‌های دشوار قابل اتکا هستند. اين اعتماد نه با شعار، بلکه با تجربه‌های واقعی و تکرارشونده شکل می‌گيرد. وقتی شهروندان در شرايط دشوار مشاهده می‌کنند که خدمات ضروری قطع نمی‌شود يا در صورت اختلال، سازوکار جبران و اطلاع‌رسانی روشنی وجود دارد، برداشت آنان از توان اداره بحران تقويت می‌شود. نتيجه اين وضعیت، افزايش همگاری اجتماعی است: مردم بيشتر به توصیه‌های عمومي عمل می‌کنند، از رفتارهای هيجانی فاصله می‌گيرند و در کمک به گروه‌های آسیب‌پذير مشارکت بيشتری نشان می‌دهند.

اين همان چيزی است که در ادبيات اجتماعی از آن با عنوان «تاب‌آوری اجتماعی» ياد می‌شود؛ يعنی توان يک جامعه برای تحمل فشار، سازگاری با دشواری‌ها و بازگشت تدريجي به تعادل. تاب‌آوری صرفاً ویژگی فردی نيست، بلکه تاب‌آور، جامعه‌ای است که شبکه‌های خدماتی آن فعال بماند، اطلاعات معتبر در دسترس باشد، مردم احساس رهاسدگی نکنند و امکان همگاری ميان نهادهای و شهروندان فراهم باشد.

عدالت در توزيع؛ شرط آرامش پایدار

تأمین لای و آرام ضروری زمانی به آرامش اجتماعی منجر می‌شود که شهروندان آن را عادلانه بدانند. حتی در شرايطی که منابع محدود است، اگر قواعد توزيع روشن، قابل فهم و بدون تبعيض باشد، پذيرش عمومی افزایش می‌يابد. در مقابل، احساس نابرابری در دسترسی به آب، برق، سوخت، دارو يا مواد غذایی می‌تواند احساس محروميت نسبي ايجاد کند؛ احساسی که گاه از خود کمبود نيز تنش‌زاتر است.

به همين دليل، توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذير – از جمله سالمندان، کودکان، افراد دارای بيماری مزمن، خانواده‌های کم‌درآمد و ساکنان مناطق کم‌برخوردار – فقط يک وظيفه حمايتی نيست؛ بلکه اقدامی برای حفظ انسجام کل جامعه است. در بحران، کيفيت مديريت با وضعیت‌شناسی سنجيده می‌شود که کمترین امکان را برای سازگاری با فشارها دارند.

نقش ارتباطات عمومي در کنار خدمات‌رسانی

تأمین نيازهای اساسی بدون ارتباطات عمومي مؤثر، کامل نخواهد بود. مردم لازم است بدانند چه وضعیتی وجود دارد، چه اقداماتی انجام شده، و محدوديت‌های ممکن است بدين پيش‌پايد و خود آنان چگونه می‌توانند به مديريت بهتر شرايط کمک کنند. زبان ارتباط با مردم بايد روشن، صادقانه، آرام و به دور از بزرگ‌نمایی يا پنهان‌کاری باشد. پیام‌های مبهم و متناقض، اضطراب را تشديد می‌کند؛ اما اطلاع‌رسانی منظم و مسئولانه می‌تواند به مردم کمک کند تا ميان خطر واقعی و شايعه تمایز بگذارند. در چنين شرايطی، رسانه‌ها نيز مسئوليتی مهم دارند: انتقال اطلاعات دقيقی، پرهيز از تيرهای هراس‌آفرين و تقويت فرهنگ همگاری و مسئوليت پذيری.

تداوم تأمین آب، برق، سوخت، غذا، دارو و ديگر نيازهای ضروری در شرايط بحران، فراتر از يک مسأله خدماتی است. اين تداوم، پايه‌ای برای امنيت روانی، کاهش اضطراب جمعی، مهار شایعات، تقويت اعتماد اجتماعی و افزايش تاب‌آوری جامعه فراهم می‌کند.

جامعه‌ای که شهروندانش احساس کنند در سخت‌ترين شرايط نيز نيازهای اوليه آيد ديده و مديريت می‌شود، آرام‌تر، همکاری‌پذيرتر و مقاوم‌تر خواهد بود. در واقع، حفظ جريان زندگی روزمره در ميان بحران، خود نوعی پیام اجتماعی قدرتمند است؛ اينکه جامعه، با وجود فشارها، توان مراقبت از اعضای خود و حفظ اميد به آینده را دارد.